

یادداشت

جنگ، موزه و فرهنگ مراقبت

محمد حکمت
استاد دانشگاه

وضعیت کنونی جامعه معاصر ایران مستلزم توجه و مراقبت جمعی دوچندان است. از سویی مسائل اجتماعی و معیشتی سال‌ها اخیر و از سوی دیگر جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، چالش‌های متعددی برای بازسازی سرمایه اجتماعی و امید به آینده ایجاد کرده است. در این شرایط، ترویج وفاق و همبستگی ملی با موانع جدی روبه‌رو است. موزه‌ها طی سالیان به عنوان مکانی برای حفظ و نگهداری میراث فرهنگی ملموس و ناملموس شناخته می‌شدند، اما در دوران معاصر، انتظارات فراتر رفته و مسئولیت اجتماعی موزه‌ها نسبت به جامعه پررنگ شده است. گذار از رویکرد شیء‌محور به رویکرد انسان‌محور، به معنای تغییر پارادایم از محافظت فیزیکی آثار موزه‌ای به سمت تعامل معنادار با دیدارکنندگان و پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی است. در این چارچوب، معنای مراقبت، از گستره حفظ و نگهداری آثار موزه فراتر رفته و در قالب فرهنگ مراقبت تعریف می‌شود. این فرهنگ، به معنای مراقبت از سلامت روان و تاب‌آوری اجتماعی است و با تأکید بر دسترسی عادلانه به دانش، بازتاب تنوع فرهنگی و ایجاد فضایی امن برای گفت‌وگو، به تقویت زیرساخت‌های عاطفی و همبستگی اجتماعی در موزه می‌پردازد. اگرچه در زمان جنگ موزه‌ها اولویت‌های خود را بر حفظ آثار متمرکز می‌کنند، با این حال ماهیت اجتماعی آنها ظرفیت بالایی برای ترویج فرهنگ مراقبت جمعی ایجاد می‌کند. ازاین‌رو در شرایطی که زیرساخت‌های اجتماعی و روانی جامعه دچار چالش می‌شود، موزه‌ها می‌توانند پناهمگاهی امن برای مردم باشند.

نقش اجتماعی موزه در مواجهه با پیامدهای جنگ

آخرین تعریف شورای جهانی موزه‌ها (ICOM)، به ماهیت اجتماعی و اهمیت اندیشیدن در موزه تأکید دارد. طرح موضوع جنگ از طریق موزه، همواره با هدف ایجاد فضایی برای تأمل و در نهایت ایجاد تحول در نگرش و رفتار بازدیدکنندگان صورت می‌گیرد. این بدان معناست که نیاز است موزه‌ها از واکنش‌های لحظه‌ای، هیجانی و زودگذر ناشی از فجایع جنگ پرہیز کرده و به‌جای آن، به‌سنتری آرام را برای پردازش عمیق‌تر تجربه جنگ و شکل‌گیری نگرش‌های جدید فراهم آورند. مواجهه با پیامدهای جنگ در دو دسته موزه‌ها قابل بررسی است که البته در هر دو، ترویج فرهنگ مراقبت اهمیت بسزایی دارد. دسته اول به موزه‌هایی اختصاص دارد که موضوع و مأموریت آنها جنگ نظامی و پیامدهای مرتبط با آن است. در این موزه‌ها اغلب تجربه جنگی نظامیان روایت می‌شود. حال آنکه در رویکرد موزه‌شناسی نوین، تمرکز بر تاریخ‌نگاری از پایین است و بازتابی‌های صدای قربانیان جنگ، روایت آسیب‌ها به غیرنظامیان، چالش‌های معیشتی و روان‌شناختی مردم در دوران جنگ و برانگیختن توجه مردم به اهمیت صلح مد نظر است. در این چارچوب، موزه با مشارکت مردم از طریق گردآوری اسناد، روایت‌های شفاهی و اشیای شخصی، بیانی اجتماعی از جنگ ارائه می‌دهد. این روایت به جامعه کمک می‌کند با واقعیت‌های تلخ حمله نظامی -از جمله از دست‌دادن عزیزان، تخریب زیرساخت‌ها و اختلال در زندگی روزمره- روبه‌رو شود. به عنوان مثال، نمایش وسایل تحصیل دانش آموزان شهید یا روایت شفاهی مادری که فرزندش را از دست داده، خوانش نظامی از جنگ نیست، بلکه تأکید بر آسیب‌پذیری و مظلومیت قربانیان آن است. موزه‌های جنگ با ایجاد فضایی برای سوگواری جمعی و پذیرش رنج، فرایند بالایش اجتماعی و مراقبت جمعی را تسهیل می‌کنند. از سوی دیگر موزه-یادمان‌ها با معماری نمادین خود، به جامعه اجازه می‌دهند تا رنج خود را مکان‌مند کنند. تجربه مکان-حافظه می‌تواند شدت احساس گسست و بی‌هویتی ناشی از جنگ را تا حدی کاهش دهد. دسته دوم، موزه‌های تاریخی، باستان‌شناسی، علم یا هنری هستند که موضوع آنها مرتبط با جنگ نیست. این موزه‌ها اگرچه مستقیم به جنگ نمی‌پردازند، جایگاهشان در بهبود روانی و تاب‌آوری اجتماعی در راستای فرهنگ مراقبت است. در دوران جنگ و پس‌انجگ، آنها با ایجاد بستری امن و الهام‌بخش، امکان بازگشت آسیب‌دیدگان روحی به زندگی عادی را تسهیل می‌کنند؛ بدان معنا که در شرایطی که درد خشونت پر جان نشسته و وضعیت زندگی دچار اختلال شده است، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های توانمندسازی مهارتی و فضاهای تعاملی به بازسازی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی کمک می‌کنند. علاوه بر این، موزه‌ها با تأکید بر ارزش‌های انسانی به دنبال ترویج صلح هستند. هنر، زیبایی، شعر و موسیقی زبان جهانی است و بازخوانی آنها در موزه‌ها می‌تواند موجب تقویت عزت نفس و احیای کرامت انسانی شود. دیدارکنندگان روزگه از جنگ به محوطه‌های تاریخی و موزه‌های کشور منجر به تعطیلی اکثر این مراکز شده است. از سوی دیگر، محدودیت‌های اینترنتی و دسترسی‌نداشتن به شبکه‌های جهانی، امکان ارتباط مجازی موزه‌ها با مخاطبان را به‌شدت کاهش داده است. در این شرایط دشوار، برخی موزه‌ها مانند موزه ملی ایران با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی داخلی، همچنان ارتباط خود را با جامعه هدف حفظ کرده‌اند. تلاش‌هایی از این دست، گواهی بر ظرفیت بالقوه موزه‌ها برای مراقبت جمعی است.

سخن پایانی

توجه به فرهنگ مراقبت در موزه، به مثابه مرهمی بر زخم‌های اجتماعی است. نهاد موزه با تکیه بر ظرفیت اجتماعی خود بستری برای سلامت روان و تاب‌آوری ایجاد می‌کند. نهادی که روزگاری فقط حافظ میراث گذشته بود، حال می‌تواند امید به آینده را زنده نگه دارد. از این رو، کنشگری فعال موزه در میان بحران‌هایی مانند جنگ، در حفظ ارتباط پایدار با مردم اهمیت دارد. ناگفته نماند، مراقبت جمعی در گرو شنیده‌شدن صدای تمامی اقشار مردم و توجه به تکثر و تنوع فرهنگی است؛ رویکردی که می‌تواند وفاق و همبستگی ملی را در پی داشته باشد.

خبر

هر ۲ ساعت یک فوت در صف انتظار پیوند

ایسنا، رئیس شبکه فراهم‌آوری اعضا و تسوج اعلام کرد: «آمار و ارقام نشان می‌دهد هر ۱۰ دقیقه یک بار، یک نفر به فهرست انتظار پیوند عضو اضافه می‌شود. همچنین هر دو ساعت یک بار، یک نفر به علت نبودن ارگان فوت می‌کند.» ایمان سیحون، با بیان اینکه آمار و ارقام رسمی و دقیق درباره میزان مرگ مغزی کشور در دسترس نداریم، افزود: «براساس پیش‌بینی‌ها، حدود سه هزار تا سه هزار و ۵۰۰ نفر در ایران طی هر سال مرگ مغزی می‌شوند. اعداد نشان می‌دهند حدود هزار و ۲۰۰ نفر از افراد مرگ مغزی اهدای عضو دارند؛ به عبارت دیگر، بیش از دو هزار نفر را در فرایند شناسایی، رضایت و اهدا از دست می‌دهیم. اگر این افراد را به پروسه اهدا وارد کنیم، صف انتظار پیوند عضو به‌شدت کاهش می‌یابد.» این استادیار علوم سلولی کاربردی دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: «برخی آمار و ارقام نامناسب درباره پیوند عضو مطرح است؛ متأسفانه سالانه هفت هزار ارگان مناسب پیوند به زیر خاک می‌رود. اگر این ارگان‌ها حفظ شوند، می‌توانیم جان حداقل هفت هزار انسان را نجات دهیم. همچنین می‌توانیم صف‌های انتظار پیوند عضو را که درحال‌حاضر طولانی شده‌اند، کاهش دهیم.» او با بیان اینکه متوسط سن مرگ مغزی در کشور کمتر از ۵۰ سال است، ادامه داد: «مرگ مغزی در ایران برخلاف برخی کشورها در سنین پایین اتفاق می‌افتد. به دلیل اینکه متوسط مرگ مغزی در کشور کمتر از ۵۰ سال است، ارگان‌های افراد مرگ مغزی به طور معمول باکیفیت هستند و قابلیت اهدا دارند.»

مریم لطفی: تحولات اجتماعی و معیشتی یکی از مهم‌ترین ابعاد ارزیابی وضعیت عمومی کشور به شمار می‌رود و بررسی شاخص‌های مرتبط با جمعیت، اشتغال، نابرابری و هزینه‌های زندگی می‌تواند تصویری روشن از شرایط اجتماعی جامعه ارائه کند. این گزارش با استفاده از داده‌ها و شاخص‌های منتشرشده در «گزارش فصلی اقتصاد ایران؛ پاییز ۱۴۰۴» مرکز آمار ایران که به‌تازگی منتشر شده، جمع‌آوری شده و تلاش دارد مهم‌ترین روندهای اجتماعی کشور را در حوزه مهاجرت جمعیتی، بازار کار، مشارکت اقتصادی، نابرابری‌های جنسیتی و منطقه‌ای و همچنین فشار هزینه‌های زندگی و رفاه خانوار مرور و بررسی کند.

جمعیت و ساختار اجتماعی

گزارش فصلی اقتصاد ایران در پاییز ۱۴۰۴، در بخش کلیات و شاخص‌های جمعیتی، تصویری از وضعیت ساختار جمعیتی کشور بر پایه آخرین برآوردهای رسمی مرکز آمار ایران ارائه می‌کند. این داده‌ها نشان می‌دهد جمعیت، ترکیب خانوار، الگوی سکونت و سطح سواد در ایران طی سال‌های اخیر روندهای مشخصی را تجربه کرده‌اند که مبنای شناخت وضعیت اجتماعی کشور به شمار می‌روند. بر اساس برآورد سال ۱۴۰۰، جمعیت کل کشور به ۸۴ میلیون و ۵۵ هزار نفر رسیده است. از این میزان، ۶۳ میلیون و ۸۷۶ هزار نفر در مناطق شهری و ۲۰ میلیون و ۱۷۹ هزار نفر در مناطق روستایی سکونت دارند؛ به این ترتیب ۷۶ درصد جمعیت کشور شهرنشین و ۲۴ درصد روستائین هستند.

کودک‌شدن روستاها و خانواده‌ها

ترکیب جمعیت شهری و روستایی کشور نشان می‌دهد الگوی استقرار جمعیت در ایران به شکل محسوسی به سمت تمرکز در مناطق شهری حرکت کرده است. سهم ۷۶درصدی جمعیت شهری بیانگر غلبه ساختار شهرنشینی در کشور است؛ وضعیتی که در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز افزایش یافته و نشان‌دهنده استمرار روند رشد شهرنشینی است. در مقابل، جمعیت روستایی با سهم ۲۴درصدی بخش کوچک‌تری از ساختار اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهد. این توزیع جغرافیایی، یکی از ویژگی‌های اصلی ساختار اجتماعی ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. بر اساس همین برآوردها، تعداد خانوارهای کشور به ۲۶ میلیون و ۳۸۴ هزار خانوار رسیده است. بعد خانوار نیز ۳۰۲ نفر گزارش شده که نسبت به عدد ۳۰۳ نفر در سرشماری ۱۳۹۵ کاهش یافته است. کاهش بعد خانوار در کنار افزایش تعداد خانوارها نشان‌دهنده تغییر در ساختار خانواده و کوچک‌ترشدن واحد خانوار در کشور است. این شاخص یکی از متغیرهای مهم در بررسی تحولات اجتماعی و الگوی زندگی خانوارهای ایرانی به شمار می‌رود.

کندشدن آهنگ رشد جمعیت

متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در فاصله سرشماری‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ برابر با ۰٫۹۹- درصد اعلام شده است. این عدد در مقایسه با نرخ رشد ۱٫۲۴درصدی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ کاهش یافته و بیانگر کندترشدن آهنگ رشد جمعیت در کشور است. داده‌های گزارش نشان می‌دهد روند تحولات جمعیتی ایران وارد مرحله‌ای بار رشد آهسته‌تر شده است؛ موضوعی که در شاخص‌های ساختاری جمعیت کشور قابل مشاهده است. شاخص‌های جمعیتی ارائه‌شده در گزارش پاییز ۱۴۰۴ نشان می‌دهد ساختار اجتماعی ایران بر چهار محور اصلی استوار است: جمعیت بیش از ۸۴میلیونی، غلبه جمعیت شهری، کاهش بعد خانوار و رشد بالای باسوادی. در کنار این موارد، کاهش نرخ رشد جمعیت نیز از ویژگی‌های مهم ساختاری کشور به شمار می‌رود. این شاخص‌ها در مجموع تصویری کلی از وضعیت اجتماعی ایران ارائه می‌کنند و مبنای بررسی سایر حوزه‌های اجتماعی از جمله اشتغال، مشارکت اقتصادی، رفاه خانوار و تحولات منطقه‌ای قرار می‌گیرند.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در پاییز ۱۴۰۴، جمعیت فعال ۱۵ساله و بیشتر کشور به ۲۶ میلیون و ۹۵۰ هزار نفر رسیده است. از این تعداد، ۲۴ میلیون و ۸۵۷ هزار نفر شاغل و دو میلیون و ۹۳ هزار نفر بیکار بوده‌اند. این داده‌ها نشان می‌دهد بخش عمده جمعیت فعال کشور در بازار کار حضور داشته‌اند، در حالی که بیش از دو میلیون نفر از جمعیت در سن کار، فاقد شغل بوده‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۴ برابر با ۴۰٫۷ درصد گزارش شده است. این شاخص در مناطق شهری ۴۰٫۳ درصد و در مناطق روستایی ۴۲٫۲ درصد بوده است. همچنین نرخ مشارکت اقتصادی در میان مردان ۶۷٫۸ درصد و در میان زنان ۱۳٫۶ درصد ثبت شده است. این داده‌ها نشان می‌دهد مشارکت اقتصادی در مناطق روستایی اندکی بالاتر از مناطق شهری بوده و در عین حال شکاف قابل توجهی میان مشارکت اقتصادی مردان و زنان وجود دارد. مقایسه فصلی نیز نشان می‌دهد نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور از ۴۱٫۲ درصد در پاییز ۱۴۰۳ به ۴۰٫۷ درصد در پاییز ۱۴۰۴ کاهش یافته است. در همین دوره، مشارکت اقتصادی مردان از ۶۸۰ درصد به ۶۷٫۸ درصد و مشارکت اقتصادی زنان از ۱۴٫۵ درصد به ۱۳٫۶ درصد رسیده است.

افزایش اشتغال ناقص

نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۴ برابر با ۳۷٫۹ درصد بوده است. این شاخص برای مردان ۳۶٫۷ درصد و برای زنان ۱۱٫۵ درصد گزارش شده است. نسبت اشتغال در مناطق شهری ۳۶٫۸ درصد و در مناطق روستایی ۳۹٫۹ درصد بوده است. در کنار نسبت اشتغال، یکی از شاخص‌های مهم بازار کار «اشتغال ناقص» است. بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، افراد دارای اشتغال ناقص شامل شاغلانی هستند که در هفته مرجع شاغل محسوب می‌شوند، اما به دلایل اقتصادی مانند رکود کاری، بیدانکردن کار یا ساعات بیشتر یا فصلی بودن فعالیت، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند و در عین حال خواهان و آماده انجام کار اضافی بوده‌اند. به بیان دیگر، این گروه اگرچه شاغل به شمار می‌روند، اما ظرفیت کاری آنها به طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته است.

بر اساس نتایج پاییز ۱۴۰۴، سهم اشتغال ناقص به ۷٫۹ درصد رسیده است. این نرخ در میان مردان ۸٫۴ درصد و در میان زنان ۴٫۹ درصد بوده است. سهم اشتغال ناقص در مناطق شهری ۶٫۷ درصد و در مناطق روستایی ۱۱٫۸ درصد گزارش شده که نشان‌دهنده گستردگی بیشتر اشتغال ناقص در مناطق روستایی است.

افزایش بیکاری زنان جوان

در پاییز ۱۴۰۴، سهم شاغلان ۱۵ساله و بیشتر در بخش خدمات ۵۳٫۲ درصد، در بخش صنعت ۳۳٫۲ درصد و در بخش کشاورزی ۱۳٫۶ درصد بوده است. این ترکیب نشان می‌دهد بیش از نیمی از شاغلان کشور در بخش خدمات فعالیت می‌کنند و بخش صنعت و کشاورزی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. به تفکیک جنس نیز سهم اشتغال مردان در بخش خدمات ۵۱٫۲ درصد، صنعت ۳۴٫۹ درصد و کشاورزی ۱۳٫۹ درصد بوده، در حالی که برای زنان، خدمات با ۶۴۰ درصد بیشترین سهم را داشته و پس از آن صنعت با ۲۳٫۹ درصد و کشاورزی با ۱۲٫۱ درصد قرار گرفته است. نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ساله و بیشتر در پاییز ۱۴۰۴ به ۷٫۸ درصد رسیده است. این شاخص نسبت به پاییز ۱۴۰۳ که ۷٫۲ درصد بود، ۰٫۶ واحد درصد افزایش داشته است. نرخ بیکاری مردان ۶٫۱ درصد و نرخ



بیکاری زنان ۱۶۰ درصد گزارش شده است. در مناطق شهری، نرخ بیکاری ۸٫۵ درصد و در مناطق روستایی ۵٫۲ درصد بوده است. همچنین نرخ بیکاری زنان شهری به ۱۸۰ درصد رسیده که بالاترین نرخ در میان گروه‌های اصلی بازار کار به شمار می‌رود. نرخ بیکاری جمعیت ۱۸ تا ۳۵ساله در پاییز ۱۴۰۴ برابر با ۱۵٫۹ درصد بوده که نسبت به پاییز ۱۴۰۳ معادل ۱٫۶ واحد درصد افزایش یافته است. این نرخ در مناطق شهری ۱۶٫۹ درصد و در مناطق روستایی ۱۲۰ درصد گزارش شده است. به تفکیک جنس، نرخ بیکاری جوانان مرد ۱۲٫۶ درصد و زنان ۲۷٫۹ درصد بوده است. همچنین بیکاری زنان جوان شهری به ۲۹٫۵ درصد رسیده که بالاترین نرخ بیکاری در میان گروه‌های سنی و جنسی گزارش‌شده در این فصل است. در مجموع، داده‌های فصل بازار کار در پاییز ۱۴۰۴ نشان می‌دهد از جمعیت فعال ۲۶٫۹ میلیونی کشور، حدود ۲۴٫۹ میلیون نفر شاغل و بیش از دو میلیون نفر بیکار بوده‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی در سطح ۴۰٫۷ درصد قرار داشته و سهم مردان از مشارکت اقتصادی به‌مراتب بالاتر از زنان بوده است. ساختار اشتغال کشور عمدتاً بر بخش خدمات استوار بوده و نرخ بیکاری، به‌ویژه در میان زنان و جوانان، در سطوح بالاتری قرار داشته است. همچنین افزایش نرخ بیکاری نسبت به پاییز سال قبل و رشد بیکاری جوانان از مهم‌ترین تحولات بازار کار کشور در این فصل به شمار می‌رود.

نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی

داده‌های بازار کار پاییز ۱۴۰۴ نشان می‌دهد نابرابری در بازار کار فقط به تفاوت نرخ بیکاری محدود نمی‌شود، بلکه در نوع حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در بازار کار نیز قابل مشاهده است. شکاف میان زنان و مردان در شاخص‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی همچنان قابل توجه است؛ به‌گونه‌ای که نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۳٫۶ درصد و برای مردان ۶۷٫۸ درصد گزارش شده است. همچنین نسبت اشتغال زنان ۱۱٫۸ درصد بوده، در حالی که این شاخص برای مردان به ۶۳٫۷ درصد رسیده است. این تفاوت نشان می‌دهد سهم زنان از فرصت‌های اشتغال و حضور فعال در بازار کار، فاصله قابل توجهی با مردان دارد. در میان گروه‌های سنی نیز جوانان با وضعیت

بازخوانی شاخص‌های جمعیتی و تحولات اجتماعی و اقتصادی بر اساس جدیدترین داده‌های مرکز آمار ایران

بازار کار در تله نابرابری

تازه‌ترین آمارها از افزایش بیکاری جوانان، تداوم شکاف اشتغال زنان و مردان، تورم ۴۲درصدی، رشد هزینه مسکن و تغییرات ساختار جمعیتی کشور خبر می‌دهد

متفاوتی در بازار کار مواجه‌اند. تفاوت‌های منطقه‌ای نیز در شاخص‌های اشتغال و کیفیت اشتغال قابل مشاهده است. اگرچه نرخ بیکاری در مناطق روستایی کمتر از مناطق شهری گزارش شده، اما سهم اشتغال ناقص در روستاها ۱۱٫۸ درصد بوده که به‌مراتب بالاتر از نرخ ۶٫۷درصدی مناطق شهری است. این موضوع نشان می‌دهد بخشی از اشتغال در مناطق روستایی با کمبود ساعات کاری یا ناپایداری اقتصادی همراه بوده است.

فشار هزینه زندگی، تورم و رفاه خانوار

در پاییز ۱۴۰۴، شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی کل کشور (بر مبنای سال پایه ۱۴۰۰) به ۴۱۸٫۸ رسید که نشان‌دهنده تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در کشور است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه، یعنی درصد تغییرات شاخص قیمت در چهار فصل منتهی به پاییز ۱۴۰۴ نسبت به دوره مشابه سال قبل، برای کل کشور ۴۲٫۲ درصد بوده است. در همین دوره، نرخ تورم برای خانوارهای شهری ۴۱٫۷ درصد و برای خانوارهای روستایی ۴۵۰ درصد گزارش شده است. اختلاف ۳۰٫۳ واحد درصدی میان این دو نرخ نشان می‌دهد خانوارهای روستایی با فشار توری بیشتری نسبت به خانوارهای شهری مواجه بوده‌اند. این شکاف، از منظر رفاه اجتماعی، اهمیت بالایی دارد، زیرا افزایش بیشتر هزینه‌ها در مناطق روستایی می‌تواند فشار معیشتی بیشتری بر خانوارهایی وارد کند که معمولاً از سطح درآمدی محدودتر و دسترسی اقتصادی کمتری برخوردارند.

افزایش ۵۶درصدی اجاره‌بها در پایتخت

در حوزه مسکن آنچه از منظر اجتماعی اهمیت بیشتری دارد، نه تحولات بازار خرید و فروش ملک، بلکه میزان فشاری است که هزینه تأمین مسکن و اجاره بر خانوارها وارد می‌کند. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در زمستان ۱۴۰۰ متوسط مبلغ اجاره ماهانه به‌علاوه سه درصد ودیعه پرداختی برای اجاره یک مترمربع زیربنای مسکونی در نقاط شهری کشور ۳۶۸ هزار و ۶۹۴ ریال بوده است. این رقم در شهر تهران در فصل زمستان به یک میلیون و ۶۲ هزار و ۷۱۲ ریال رسیده است. همچنین میزان اجاره‌بها نسبت به دوره مشابه سال قبل در کل نقاط شهری کشور ۶۰۹ درصد و در شهر تهران ۵۶٫۶ درصد افزایش داشته است. رشد قابل توجه اجاره‌بها نشان می‌دهد بخش مهمی از فشار هزینه زندگی خانوارها در حوزه تأمین مسکن متمرکز شده است. افزایش هزینه سکونت، به‌ویژه برای خانوارهای اجاره‌نشین، می‌تواند سهم بیشتری از درآمد خانوار را به هزینه‌های ثابت زندگی اختصاص دهد و در نتیجه بر سایر هزینه‌های ضروری مانند خوراک، آموزش و درمان اثرگذار باشد. در کنار اجاره، متوسط قیمت فروش هر مترمربع زیربنای مسکونی در نقاط شهری کشور نیز در زمستان ۱۴۰۰ به ۱۲۷ میلیون و ۹۷۵ هزار ریال و در شهر تهران در فصل زمستان به ۳۶۷ میلیون و ۷۱۷ هزار ریال رسیده است. با این حال، در این گزارش تمرکز اصلی بر اثرات رفاهی و معیشتی هزینه مسکن بر خانوارهاست؛ زیرا افزایش هزینه دسترسی به مسکن و رشد اجاره‌بها، بیش از هر چیز به عنوان یکی از عوامل فشار بر سطح رفاه خانوار و کیفیت زندگی شهری قابل بررسی است.

مامانم می‌گه قراره باز یه روز خوب بیاد کاشکی داروم کم نیاد...



mahak.app | #۷۳*۱* | * | محک | **من هم حمایت می‌کنم** | mahak-charity.org | **۰۲۱-۲۳۵۴۰**

شماره کارت بانک اقتصاد نوین: ۷۴۶۵-۰۶۰۰۴۰-۱۲۱۹-۰۲۷۴۶



محک

مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان